

رویکرد علمی در مطبوعات

(تحلیل محتوای سرمقاله‌های چهار روزنامه شرق، کیهان، جمهوری و همبستگی)

ناصرعلی عظیمی^۱

چکیده

امروزه متون مطبوعاتی به راحتی می‌توانند جهت فکری و عقیدتی جامعه را هدایت کنند. در چنین شرایطی بحث چگونگی پرداختن به متون روزنامه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. از مهم‌ترین چالش‌های موجود در ساختار مطبوعات کشور عدم توجه به رویکردهای علمی است که این موضوع باعث می‌شود متون مورد نظر بدون شکل منظم، بر طبق قواعدی شعاری و نه منطقی به مخاطبان عرضه شوند. هدف در این مقاله پرداختن به چالش فوق است.

در این پژوهش به روش تحلیل محتوا به بررسی فرایندها و جهت‌گیری‌های علمی متون روزنامه‌ای پرداخته شده است. نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی انجام شده است و جامعه آماری را چهار روزنامه شرق، کیهان، همبستگی و جمهوری تشکیل می‌دهند. با توجه به حجم وسیع اطلاعات، با استناد به نظریه استمپل از هر روزنامه ۲۴ سرمقاله انتخاب شده است. در مجموع ۹۴ سرمقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در داشتن رویکرد علمی روزنامه جمهوری با ۷۱ درصد دارای بالاترین میانگین و پس از آن، روزنامه‌های شرق (۷۱ درصد)، همبستگی (۶۷ درصد) و کیهان (۶۴ درصد) قرار دارند.

کلیدواژگان: تحلیل محتوا، مطبوعات، رویکرد علمی، انتقادی، جهت‌گیری علمی.

مقدمه و طرح مسئله

در دنیای امروز تنوع مطبوعات به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است و مطبوعات در موقعیتی فوق‌العاده تأثیرگذار بر افکار عمومی قرار دارد، تا آنجا که متون مطبوعات به راحتی می‌توانند جهت فکری جامعه را هدایت کنند. در این مقاله تلاش شده تا رویکرد علمی که در این جهت‌دهی فکری به کار گرفته می‌شود، بررسی شود.

دو کارکرد را برای وسایل ارتباطی مطرح می‌کنند.

الف: کارکردهای عمومی: در بعد کارکردهای عمومی نیز کارکرد تفریحی، خبری و آموزشی قرار دارد.

ب: کارکردهای سیاسی: در بعد کارکردهای سیاسی کارکرد کسب اطلاعات سیاسی و طرح افکار عمومی می‌گنجد.

نقش‌آفرینی این رسانه‌ها ایجاب می‌کند که این نقش از جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی در حوزه‌های متفاوت مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه کارکرد آموزشی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. کارکردی چون جهت‌گیری‌های علمی و توجه به اصول علمی در پردازش متون مطبوعاتی از این جمله است (عظیمی، ۱۳۸۵: ۱۷).

توجه به رویکردهای علمی در مواردی که از کارکردهای آموزشی رسانه‌ها در جهت‌گیری افکار علمی مخاطبان و افزایش آگاهی‌های سیاسی بحث می‌شود، ضروری است. عدم توجه به این نکته سبب می‌شود که متون مورد نظر بدون شکل منظم، بر طبق قواعدی که منطقی نیست به مخاطبان عرضه شوند. این پژوهش ضمن روشن کردن این مسئله در ساختار سرمقاله‌ها، برنامه‌ریزان را یاری می‌کند تا با بهره‌گیری از نتایج تحقیق، چگونگی شکل‌دهی ساختاری بهتر و علمی‌تر را در متون مطبوعاتی مورد توجه قرار دهند.

در دنیای اطلاعات و با تغییر اولویت نیاز افراد، امروز نیاز اطلاعاتی بخش مهمی از زندگی مردم را تشکیل می‌دهد. از این جهت روزنامه به عنوان یکی از ارکان اصلی انتشار اطلاعات، نقش به‌سزایی در برآوردن این نیازها دارد. بنابراین، نحوه رفع این نیاز توسط مطبوعات - یکی از ضرورت‌های تحقیقاتی - هرجامعه‌ای می‌تواند باشد.

با توجه به آنچه که ذکر شد، باید انتظار داشت که شناخت محتوا و جهت‌گیری‌های علمی و نیز سطح توجه به رویکردهای علمی روزنامه‌ها بتواند به گسترش و ارتقای تفکر علمی حاکم بر مطبوعات کمک کند.

روش تحقیق

در علوم ارتباطات و علوم اجتماعی روش‌های متعددی برای تحقیق و پژوهش وجود دارد. اما آنچه کاربرد تحلیل محتوا را در پژوهش ضروری می‌سازد توجه به امکان کمی‌سازی اطلاعات و حجم آن است. از طرف دیگر توجه ویژه پژوهشگران به این روش به دلیل کارآمد بودن آن در بررسی محتوای کمی اطلاعات متن و زمینه پیام‌های ارتباطی است. بنابراین روش بررسی این تحقیق، تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا یکی از روش‌های اساسی مشاهده اسنادی محسوب می‌شود که به وسیله آن می‌توان متون و یا هر واحد نوشتاری را از ابعاد متعددی مورد بررسی قرار داد. در این روش پژوهشگر به بررسی و تحلیل دقیق پیام‌های تولید شده آثار منتشر شده می‌پردازد. از این روش می‌توان برای پاسخگویی به سوالات با اهداف مختلفی پرداخت. اصطلاح تحلیل محتوا کمی بیش از پنجاه سال است که مطرح شده است (بدیعی، ۱۳۸۲: ۷).

نقش تحلیل محتوا در تحقیقات ارتباطی

(۱) الگوی تأثیرات قوی: ریشه در نظریه‌های اوائل قرن بیستم دارد و بر این باور است که رفتارهای انسان و حیوان را می‌توان به شکل یک مجموعه «محرک- پاسخ» دید. برخی پژوهشگران علوم ارتباطات به پیام‌های ارتباطی و تأثیرات فرضی آنها روی نگرش‌ها، باورها و رفتار مردم از این منظر می‌نگرند. محققان علاقمند به این تأثیرات نوعاً از روش تجربی برای آزمون فرضیه خود استفاده کرده‌اند. در نیمه اول قرن بیستم این فرض در میان دانشمندان و عموم مردم وجود داشت که محرک‌هایی نظیر پیام‌های اقناعی توده‌ای می‌تواند منجر به پاسخ‌های قوی شود. در این خصوص می‌توان به تبلیغات سیاسی در طول دو جنگ جهانی، بررسی تأثیر فیلم روی رفتار کودکان و سخنوری بلشویک‌ها یا نازی‌ها اشاره داشت. فرض تأثیرات قوی رسانه‌ها به تدوین مدل‌ها و نظریه‌های اولیه ارتباطات، مثل نظریات تزریقی و گلوله‌ای انجامید. پیش فرض عمده این نظریه‌ها این است که اعضای جامعه مخاطبان بی‌دفاع و منفعل هستند. «تحلیل محتوا» جایگاه مشروعی در میان موافقان تأثیرات قوی پیام داشت که به خاطر نقش علی محتوای ارتباطات بود که در مدل‌های تعریف شده در تحقیقات تجربی آزموده شده و از سوی مردم و بعضی سیاست‌سازان و دانشمندان به محتوا نسبت داده می‌شد.

(۲) الگوی تأثیرات محدود: فرض تأثیرات قوی که مستقیم و یکنواخت بود به علت ساده‌انگارانه بودن مورد چالش قرار گرفت و حداقل الگوی تأثیرات قوی تعدیل شد (سورین و تانکارد، ۱۳۹۵). موافقان الگوی اثرات محدود، معتقدند که مخاطبان برخلاف تصورات قبلی منفعل و ناتوان نیستند و از رسانه‌ها و پیام‌ها برای اهداف شخصی خود استفاده می‌کنند. طرفداران اثرات محدود پیام می‌گویند مردم آن دسته از پیام‌ها که با باورها، نگرش‌ها و عقایدشان همخوانی داشته باشد را انتخاب و بقیه را رد می‌کنند. همچنین معتقد هستند که تصمیم راجع به پذیرش، اقتباس یا آموختن از یک پیام، تابع ویژگی‌های اجتماعی و روانی موجود در آنهاست، نه اثرات اقناعی. این الگو «تحلیل محتوا» را با چالش روبرو کرد.

۳) الگوی تأثیرات مشروط: این الگو که پس از نظرات پیشین ارائه شد، امکان آشتی نتایج متضاد رویکردهای تأثیر قوی و محدود را فراهم آورد.

اگر چه تحلیل محتوا در طول زمان و در اثر نظرات مختلف و متفاوت، فراز و نشیب‌هایی داشته است اما هنوز هم به عنوان ابزاری مهم در تحقیقات و نیز در طبقه‌بندی انواع پیام، کارساز و قابل اعتماد است. تعاریف متعددی از تحلیل محتوا ارائه شده است و بر آن را روشی تحقیقی می‌دانند که با استفاده از یک سلسله عملکردها، نتیجه‌گیری‌های معتبری از متن به عمل می‌آورد. کریپندروف می‌گوید روش تحقیقی است برای گرفتن نتایج معتبر و قابل تکرار از داده‌های استخراج شده از متن. برلستون آن را روشی برای توصیف عینی، کمی و قاعده‌مند محتوای آشکار ارتباطات می‌داند.

در مجموع تحلیل محتوای کمی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: آزمون نظام‌مند و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی که طی آن، ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. استخراج نتیجه درباره معنی یا پی‌بردن به بافت و زمینه ارتباط، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف صورت می‌گیرد (بدیعی، ۱۳۸۲: ۲۴).

هدف تحلیل محتوا در دو چیز است:

(۱) توصیف ارتباطات؛

(۲) استنتاج از زمینه تولید و مصرف ارتباطات.

تحلیل محتواهای کاربردی اغلب توصیفی‌اند. تحلیل‌گران محتوا، چه در تحقیقات کاربردی، چه در تحقیقات بنیادی معمولاً اول داده‌های توصیفی را جمع نمی‌کنند تا بعد سؤالات را مطرح نمایند، برعکس جریان تحقیق را طوری هدایت می‌کنند که به سؤال تحقیق برسند. در مورد تحقیقات بنیادی، سؤال تحقیق در یک چهارچوب نظری مطرح می‌شود. محقق برای نتیجه‌گیری درباره فرایند تولید محتوا و پیامدهای مصرف آن، باید بوسیله یک نظریه هدایت شود. مثلاً اگر تحلیل‌گر محتوا پوشش اخبار اقتصادی را بررسی می‌کند، باید اولویت‌های مردم در مورد رسانه‌های خبری خاص یا اعتبار آنها برای رسانه‌ها را بشناسند.

در این پژوهش سعی شده است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به بررسی فرایند و جهت‌گیری‌های علمی متون روزنامه‌ای پرداخته شود. در همین زمینه، این بررسی بدون توجه به فرایند علمی و شکل‌گیری این روش از آغاز امکان پذیر نمی‌باشد. بنابراین در فرایند علمی، روش تحلیل محتوا به صورت نظری و علمی مورد توجه قرار می‌گیرد تا با استناد به این فرایند، به

مباحث عملی تحقیق بعدی منطقی و علمی داده شود. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا با کمی کردن داده‌های جمعیت آماری که از قبل برگزیده شده است به استخراج نتایج پردازد و سوالات مورد نظر تحقیق را پاسخ دهد. به علاوه، از "جمله" به عنوان واحد تحلیل استفاده شده است. این جملات در ساختار پاراگرافها در نظر گرفته شده‌اند و با توجه به مقوله‌بندی شاخص‌های مورد نظر بررسی شده‌اند.

به علاوه، بررسی تحقیقات موجود نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه مطالعه رویکردهای علمی در مطبوعات ایران انجام نشده است. تحقیق حاضر هم از لحاظ فرایندهای نظری متفاوت عمل کرده است زیرا به چگونگی ارائه محتوا از لحاظ علمی و دقت در رعایت اصول علمی توجه کرده است. بنابراین این تحقیق از لحاظ نظری می‌تواند مبنای تحقیقات بعدی حوزه ارتباطات باشد (اریف و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۴).

جامعه آماری این تحقیق از چهار روزنامه انتخاب شده است. این چهار روزنامه عبارتند از: شرق، کیهان، همبستگی و جمهوری اسلامی. سرمقاله‌های این روزنامه‌ها برای یکسال از فروردین تا پنجشنبه آخر سال مورد نظر بوده است. منطق روشی انتخاب این روزنامه‌ها به مواردی همچون گستره پخش، سابقه فعالیت و رویکردهای جناحی - سیاسی این روزنامه‌ها برمی‌گردد. از یک طرف دو روزنامه کیهان و جمهوری دارای سابقه طولانی چاپ و انتشار، گستره پخش کشوری بوده و از نظر رهیافت سیاسی در طیف مشهور به جناح راست قرار می‌گیرند (ظریفی‌نیا ۱۳۷۸). از سوی دیگر دو روزنامه شرق و همبستگی سابقه کمتری در چاپ و نشر دارند، اما دارای گستره پخش کشوری و از لحاظ سیاسی نیز در طیف معروف به اصلاح‌طلب (با مسامحه می‌توان چپ نامید) قرار می‌گیرند. این تقسیم‌بندی نسبتاً روشن و نیز محدودیت‌های دسترسی به سایر روزنامه‌ها در نهایت ما را به انتخاب این چهار روزنامه هدایت کرد.

ما در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده (پاولیک ۱۳۷۵) استفاده کرده‌ایم. به این صورت که ابتدا فهرست روزنامه‌ها را تهیه و سپس از بین آنها چهار روزنامه انتخاب شده است. در مورد حجم نمونه، از سرمقاله‌ها در طول یک سال نمونه‌گیری شد. با توجه به اینکه حجم اطلاعات مورد بررسی (سرمقاله‌ها طی یک سال) زیاد بود و با استناد به نظریه استمپل^۱ مبنی بر اینکه بررسی این اطلاعات در حجم زیاد در نتایج کار کرد (کرپیندروف، ۱۳۸۳: ۸۳). از هر روزنامه ۲۴ سرمقاله انتخاب شد. در مجموع ۹۴ سرمقاله مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل شده است.

۴. استمپل (۱۹۵۲) نمونه‌های متشکل از ۶، ۱۲، ۲۴ و ۴۸ شماره روزنامه‌ای را با تمام شماره‌های یک سال آن مقایسه کرده است و دریافته است که با استفاده از متوسط نسبت موضوع به عنوان اندازه، افزایش، حجم نمونه از شماره ۱۲ به بعد نتایج معناداری دقیقی به بار نمی‌آورد (به نقل از کرپیندروف ۱۳۷۸).

در بررسی و انتخاب سرمقاله نیز ابتدا یک سال و سپس در هر سال نقطه شروع آغاز هفته اول فروردین، در نظر گرفته شده است. به این صورت که از هر فصل یک هفته انتخاب شده است. انتخاب یک هفته به صورتی است که تمام روزهای کاری را دربرگیرد؛ به این معنی که شنبه اول و یکشنبه آخر ماه اول، دوشنبه اول و سه‌شنبه آخر ماه دوم و چهارشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه سوم هر فصل برگزیده شده است. این نمونه‌گیری این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که سرمقاله‌ها را در تمام روزهای هفته و همین‌طور در هر ماه و هر فصل بررسی کند.

چارچوب نظری

یک طبقه‌بندی مشهور برای سیستم‌های مطبوعاتی دنیا در کتاب چهار نظریه در مطبوعات ارائه شده است. دنیای مطبوعات را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند: اقتدارگرا، آزادی‌خواه، مسئولیت اجتماعی و تمامیت‌خواه شوروی. این نظریه‌های تجویزی، برگرفته از مشاهدات هستند و نه از آزمون فرضیه و تکرار.

نظریه اقتدارگرا: در غرب اختراع نشریات چاپی و دستگاه حروف چینی متحرک وقتی صورت گرفت که جهان تحت سلطه قدرت‌های اقتدارگرا و سلاطین مستبد بود. جای شگفتی نیست که نخستین اصل و نظریه مطبوعات، نظریه تقویت‌کننده و پیش‌برنده سیاست‌های مورد نظر حکومت و دولت حاکم بود. مالکیت مطبوعات در سیستم اقتدارگرا ممکن است به صورت خصوصی یا عمومی باشد. با وجود این به عنوان وسیله‌ای برای تحقق سیاست‌های دولتی محسوب می‌شود.

نظریه آزادی‌خواهانه: نظریه آزادی‌خواهانه از عصر روشنگری و نظریه عمومی فردگرایی و حقوق طبیعی نشأت گرفته است و در جهت مقابله با دیدگاه اقتدارگرا توسعه یافته است. این نظریه از نوشته‌های میل‌تون، لاک و میل به وجود آمد که مطبوعات به همان اندازه که در خدمت اطلاع‌رسانی و سرگرمی و در اندیشه فروش بیشتر هستند، باید در خدمت کشف حقیقت و نظارت بر دولت نیز باشند. در نظریه آزادی‌خواهانه مطبوعات به طور عمده خصوصی هستند و رسانه‌ها وسایلی برای نظارت بر دولت و نیز برآوردن دیگر نیازهای جامعه هستند.

نظریه مسئولیت اجتماعی: نظریه مسئولیت اجتماعی که از سوی کارورزان رسانه‌ها و قوانین رسانه‌ها و تحت تأثیر کمیسیون آزادی مطبوعات کامل شده است. بر این اساس است که علاوه بر اطلاع‌رسانی، سرگرمی و فروش (مانند نظریه آزادی‌خواهانه)، رسانه‌ها باید موجب تضارب آرا شوند و مباحث را رشد دهند. نظریه مسئولیت اجتماعی عقیده دارد که هر شخص که سخن مهمی برای گفتن دارد باید یک تربیون آزاد در اختیار داشته باشد و اگر رسانه‌ها این وظیفه را به عهده نگیرند، باید کسی مراقب باشد تا آنها این کار را انجام دهند. در این نظریه، رسانه به وسیله عمل‌کننده، عقاید جامعه و اخلاق

حرفه‌ای کنترل می‌شود و در قسمت پخش، به علت محدودیت‌های فنی که در تعداد فرکانس‌ها وجود دارد، به وسیله مراجع دولتی کنترل می‌شوند.

نظریه تمامیت‌خواه شوروی: در این فاصله، نظریه اقتدارگرا درباره مطبوعات در بسیاری از کشورهای جهان به شکل نظریه تمامیت‌خواه شوروی تکامل یافت. شوراها هدف اصلی رسانه‌ها را کمک به موفقیت و تداوم سیستم شورا می‌دانستند. نظارت و اعمال اقتصادی و سیاسی دولت، مطبوعات را کنترل می‌کرد و تنها اعضای وفادار و اصول‌گرای حزب به طور منظم می‌توانستند رسانه‌ها را به کار گیرند. روش‌های حزبی ممکن بود مورد نقد قرار گیرد اما امکان نقد اهداف و مقاصد وجود نداشت. رسانه‌ها در سیستم شوراها تحت مالکیت و کنترل دولتی بودند و صرفاً به عنوان بازوی حکومت برای پیشبرد آن محسوب می‌شدند (ورنر، ۱۳۸۱: ۴۴۱-۴۴۷).

جی هربرت آلتشول در کتابش به نام «عوامل قدرت» (۱۹۸۴) ادعا می‌کند که چهار تئوری مطبوعات که در طول جنگ سرد تدوین شده بود دیگر اعتبار ندارد. او می‌افزاید این تحلیل، روش «ما در تقابل با آنها» است که جنگ و دشمنی را در آن دوره منعکس می‌کند. آلتشول می‌گوید، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که ما در کوشش برای اجتناب از رویارویی جهانی با آن مواجه هستیم در برچسب زدن و زبان تضاد نهفته است. او می‌افزاید مطبوعات مستقل نمی‌توانند وجود داشته باشند و وسایل ارتباط جمعی در هر سیستم، نمایندگان قدرت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هستند.

آلتشول بعد از یک مرور فراگیر تاریخی درباره کارکرد نظام‌های مطبوعاتی جهان که بیشتر آن براساس تجارب شخصی است، نتیجه‌گیری می‌کند که امروزه سه مدل مطبوعاتی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- بازار (سرمایه‌داری)؛ ۲- مارکسیست (یا سوسیالیست)؛ ۳- در حال توسعه

آلتشول به نتایج زیر می‌رسد:

۱) در همه نظام‌های مطبوعات، اخبار رسانه‌ها در خدمت کسانی است که قدرت سیاسی و اقتصادی را اعمال می‌کنند. بنابراین روزنامه‌ها، مجلات و رادیو و تلویزیون عوامل مستقلی نیستند، هر چند به طور بالقوه می‌توانند مستقل عمل کنند.

۲) محتوای اخبار رسانه‌ها همیشه علایق و منافع کسانی را منعکس می‌کند که مطبوعات را از نظر مالی تأمین می‌کنند.

۳) همه سیستم‌های مطبوعاتی براساس اعتقاد به آزادی بیان قرار دارند، اگرچه آزادی بیان به طرق مختلف تعریف می‌شود.

۴) همه سیستم‌های مطبوعاتی از نظریه مسئولیت اجتماعی جانبداری می‌کنند و اعلام می‌دارند که در خدمت نیازها و علایق مردماند و اظهار تمایل می‌کنند که در دسترس مردم باشند.

۵) در هر یک از این سه مدل، مدل‌های دیگر مطبوعات منحرف تلقی می‌شوند.

۶) مدارس روزنامه‌نگاری، ایدئولوژی و ارزش‌های سیستم اجتماعی موجود را منتقل می‌کنند و به طرز غیرقابل اجتناب به صاحبان قدرت در حفظ کنترل بر رسانه‌های خبری کمک می‌کنند.
 ۷) شیوه‌های عمل مطبوعاتی همیشه با نظریه تفاوت می‌کند.

آلتشول جمع‌بندی می‌کند:

«تاریخ مطبوعات نشانگر آن است که روزنامه‌ها و گونه‌های جدیدتر رسانه‌های خبری در عین حال که به منافع خودخواهانه اربابان خدمت کرده‌اند، تداوم‌بخش تصویری از مطبوعات بوده‌اند که در خدمت مصرف‌کنندگان خبر است. انتظار اینکه رسانه‌های خبری ناگهان چرخشی کاملاً معکوس کنند و خواست‌های اربابان را نادیده بگیرند بدترین نوع تخیل آرمانگرایانه است (ورنر، ۱۳۸۱: ۴۴۸).
 در این پژوهش از نظریه مسئولیت اجتماعی استفاده شده زیرا در بررسی رویکرد علمی مطبوعات در واقع تعهد اجتماعی رسانه به خبر مطرح است.

رویکرد علمی

رویکرد علمی را می‌توان در تقابل با گزینه‌های متفاوتی مانند رویکرد غیرعلمی، رویکرد الهیاتی، رویکرد متافیزیکی، رویکرد شعاری، رویکرد شهودی و... قرار داد. بحث از مبانی و اصول موضوعه تفاوت‌های این مقولات در حوصله این بحث نبوده و نیازی بدان نیست. از کل مباحث مطرح شده رویکرد علمی به شکل یک منظومه یافته شده که از دو بعد فرم و محتوا قابل بررسی است.

محور پژوهش حاضر نه موضوعات بلکه نحوه و روش صورت‌بندی موضوعات می‌باشد. به عبارت دیگر مباحث روش‌شناختی برای ما نقش محوری دارد. بنابراین، صرف‌نظر از اینکه موضوع سرمقاله چه چیزی است به این مهم پرداخته می‌شود که نویسنده یا نویسندگان چگونه آن را پردازش کرده‌اند. بدین منظور مجموعه مقولاتی از نظرات پوپر فراهم شده است تا به واسطه آنها بخش تجربی کار انجام گیرد. در همین جا لازم به ذکر است که مقولات انتخابی از رویکرد و حال و هوای انتقادی برخوردار بوده و متمایز از رویکرد پوزیتیویستی فارغ از ارزش می‌باشد. این مقولات به شرح زیر هستند^۱: جهت‌گیری، مسئله-مندی، روش‌مندی، ابطال‌پذیری، بیان منطقی، مستند بودن، اعتبار منابع، استنتاج منطقی، روشنی و عدم ابهام (سادگی)، روش استدلال قیاسی، زمان‌بندی.

۱. مقولات در اینجا تنها نام برده شده اند اما در بخش یافته‌ها به طور کامل در مورد هر کدام از آنها و جریان این مقولات در بستر روزنامه‌ها بررسی خواهد شد.

یافته‌ها

پس از بررسی ۹۴ سرمقاله انتخابی نتایج زیر حاصل شده است. در ابتدا توصیف یافته‌ها و سپس نتیجه نهایی ارائه خواهد شد. ما به قصد پرهیز از اطاله کلام از ارائه جداول و نمودارهای مربوط چشم پوشی کرده‌ایم.

توصیف یافته‌ها

داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد ۹۴ مورد از سرمقاله‌های چهار روزنامه جمهوری، شرق، کیهان و همبستگی مورد مطالعه قرار گرفته است. از این بین سیاست خارجی در «جمهوری»، سیاست خارجی و موضوعات اجتماعی در «شرق»، سیاست داخلی در «کیهان» و «همبستگی» دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که سیاست (داخلی و خارجی) دارای بیشترین درصد هستند. همچنین کمترین فراوانی مربوط است به موضوعات فرهنگی و دینی (شرق) و اقتصادی (سه روزنامه دیگر). در مجموع هم کمترین توجه به موضوعات اقتصادی شده است. این مورد اخیر با توجه به مشکلات واقعی جامعه در حال حاضر بسیار حائز اهمیت و قابل تأمل است (با این حال این مهم در زمره اهداف این پروژه نیست).

یافته‌هایی که به صورت مقولات جمع‌آوری شده‌اند به شرح زیرند:

* **جهت‌گیری:** منظور از جهت‌گیری روشن بودن موضع نویسندگان در قبال مطلبی است که می‌نویسد. نویسنده در این مقوله بایستی نوع نگاه (مثبت، منفی یا انتقادی) خود را به موضوع بیان کند. این مقوله به صراحت در مقابل اصل فراغت ارزش^۱ علم‌گرایان اثبات‌گرا قرار می‌گیرد. بررسی جهت‌گیری نویسنده به موضوع نشان می‌دهد که همبستگی دارای پایین‌ترین مرتبه جهت‌گیری بوده، و شرق و جمهوری بیشترین درصد جهت‌گیری را داشته‌اند. در مجموع در ۸۹ درصد موارد جهت‌گیری به موضوع وجود داشته است. تقریباً موازی با همین وضعیت، همبستگی کمترین جهت‌گیری انتقادی و شرق بالاترین گرایش انتقادی را داشته است. رویکرد انتقادی در مورد جمله‌بندی مفهومی تیتز نیز به نفع روزنامه شرق است. داده‌ها نشان می‌دهد تیتزهای شرق از جهت‌گیری انتقادی بیشتری نسبت به سایر روزنامه‌ها برخوردارند. روزنامه جمهوری در هر دو مورد، در مرتبه دوم قرار دارد.

* **مسئله‌مندی:** داشتن مسئله از مهم‌ترین اصول هر تحقیق علمی است. سرمقاله‌ها باید مسئله خاصی را مطرح و آن را دنبال کنند منظور از مسئله‌مندی پرداختن سرمقاله به یک مسئله مشخص و روشن است. داده‌ها نشان می‌دهد که روزنامه شرق با حدود ۹۶ درصد در مرتبه نخست قرار دارد. به عبارت دیگر سرمقاله‌های شرق بیش از سایر موارد به امر داشتن مسئله توجه داشته‌اند. بعد از شرق به ترتیب روزنامه

کیهان، جمهوری و همبستگی قرار دارند. در مجموع ۸۹ درصد از سرمقاله‌ها به این مقوله توجه مثبت داشته‌اند که بسیار بالاتر از عدد میانگین است.

* **روش‌مندی:** روش‌مندی به معنای داشتن روش و نحوه بررسی کاملاً قابل تشخیص یک سرمقاله است. به عبارت دیگر نویسنده سرمقاله روش قابل تشخیصی را به کار گرفته باشد. نکته مهم در اینجا داشتن روش است، نه از نوع روش. یافته‌ها نشان می‌دهد که روزنامه شرق با ۸۳ درصد در رتبه نخست و کیهان با حدوداً ۶۷ درصد در رتبه آخر قرار دارد. درصد مربوط به دو روزنامه دیگر ۷۵ درصد است. به عبارت ساده‌تر سرمقاله‌های شرق روش‌مندتر از سرمقاله‌های سایر روزنامه‌ها بوده است. میانگین برخورداری از روش در مجموع در حدود ۷۵ درصد است.

* **ابطال‌پذیری:** ابطال‌پذیری به معنای قابلیت نپذیرفتن و رد یک گزاره است. اگر گزاره‌ای چنان باشد که نتوان آنها را به هیچ وجه (نظری یا تجربی) تأیید و یا رد کرد، آن گزاره غیرقابل ابطال و غیرعلمی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمقاله‌های کیهان ابطال‌پذیرتر از سایر موارد بوده‌اند. از این لحاظ جمهوری و همبستگی در سطح آخر و شرق در سطح دوم ابطال‌پذیری بوده است. درصد برخورداری از معیار ابطال‌پذیری در کیهان حدود ۹۶ درصد، در شرق حدود ۹۲ درصد و در دو مورد دیگر ۸۵/۵ درصد بوده است. میانگین برخورداری کلی در سطح بسیار خوب، یعنی بالاتر از ۹۰ درصد قرار دارد.

* **منطقی و عقلانی بودن بیان:** ارائه مسئله و یا موضوع و استدلال‌ها به صورت منطقی در این مقوله بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که روزنامه همبستگی از این حیث در مرتبه نخست (با ۷۹ درصد) و روزنامه‌های شرق (۶۷ درصد)، جمهوری (۵۸ درصد) و کیهان (۲۹ درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند. این وضعیت دال بر این نکته است که سرمقاله‌های روزنامه همبستگی کمتر از سایر موارد بیان مسئله توأم با مسائل شعاری و ارزشی دارد. برخلاف همبستگی، کیهان بیش از سایرین بیان مسئله شعاری و ارزشی داشته و بسیار پایین‌تر از حد وسط معمول و قابل انتظار قرار دارد؛ که به شدت میانگین کل برخورداری را تحت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل میانگین برخورداری از این مقوله در حدود ۵۸ درصد بوده که در مقایسه با مقولات پیشین بسیار پایین است.

* **مستندبودن:** استناد به منابع، از اصول رویکرد علمی است. منظور از مستند بودن این است که نویسنده استدلال‌ها و گفته‌های خود را به اسناد حوزه مورد نظر مرتبط سازد و از آنها نام ببرد. در این صورت می‌توان میزان اعتبار استنتاج‌های وی را ارزیابی کرد. منطقی و عقلانی‌بودن در مقابل شعاری بودن قرار دارد. در حالت شعاری با وجود موارد نافی گزاره‌ها، باز هم پافشاری بر آنها وجود دارد. اما در موارد منطقی نویسنده در چنین شرایطی در گزاره خود شک می‌کند. مستند بودن به معنای استفاده و ارائه اسناد و مدارکی است که مطلب مورد نظر از آن استفاده کرده است. براین اساس، روزنامه همبستگی از بهترین موقعیت برخوردار بوده است. این روزنامه در ۲۹ درصد موارد منابع مورد استفاده را

ذکر کرده است. روزنامه جمهوری با ۲۱ درصد در رتبه آخر قرار دارد. در زمینه عدم بهره‌گیری از منابع مستند و علمی نیز همبستگی و جمهوری با کمترین درصد (۲۹ درصد) در موقعیت بهتری قرار دارند. از این لحاظ شرق در شرایط نامناسب‌تری قرار دارد (۴۲ درصد). مقوله دیگر عدم ارائه اسناد و منابع، با وجود استفاده از آنهاست. از این حیث روزنامه همبستگی در رتبه اول قرار دارد (با ۵۰ درصد) و روزنامه شرق در پایین‌ترین سطح (۳۳ درصد) قرار دارد. درباره مقوله اخیر باید گفت که معمولاً اشاره به منابع و مآخذ در روزنامه زیاد رایج نیست و فهرست منابع معمولاً در آرشيو باقی مانده و به دلایل مختلف (از جمله صرفه‌جویی) چاپ نمی‌شود. به هر صورت، در مجموع با توجه به مقوله دوم و مجموع دو مقوله اول و سوم می‌توان گفت که در زمینه سندیت سرمقاله‌ها، دو روزنامه همبستگی و جمهوری از شرایط بهتری برخوردارند. در مجموع میانگین برخورداری از مقوله سندیت ۶۶ درصد بوده است که البته باز هم وضعیت مناسبی نیست.

*** اعتبار منابع:** منابع را معمولاً با توجه به نویسنده، نوع مدرک، سال انتشار و میزان سندیت آن به درجاتی تقسیم می‌کنند. برای مثال اعتبار گزاره‌های یک کتاب از اعتبار یک روزنامه بیشتر است. یا اعتبار یک منبع علمی-پژوهشی از یک منبع علمی-ترویجی افزون‌تر است.

در این مقوله فقط به اعتبار منابع مورد مراجعه پرداخته شده است. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت که روزنامه جمهوری در بهترین وضعیت و کیهان در بدترین وضعیت در بین موارد مورد مطالعه قرار دارند. همبستگی و شرق نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. از این نظر می‌توان گفت که در کل وضعیت مناسبی وجود ندارد؛ زیرا در مجموع نزدیک به ۵۱ درصد سرمقاله‌های دارای منابع، از منابع معتبر استفاده نکرده‌اند. حال اگر این درصد را به درصد روزنامه‌هایی که به طور کلی فاقد منابع بودند (۲۹ درصد در مقوله شماره ۷) بیافزاییم، به عدد بسیار نا امیدکننده‌ای خواهیم رسید (حدود ۸۰ درصد). این عدد بیانگر ضعف اساسی سرمقاله‌های روزنامه‌ها در زمینه اعتبار و سندیت منابع آنهاست.

*** استنتاج منطقی:** منظور از استنتاج منطقی این است که نویسنده از مقدمات مطرح شده به نتایج ملزوم آن برسد و نتیجه برآمده از مقدمات آن باشد. داده‌ها نشان می‌دهد که بهترین استنتاجات به روزنامه جمهوری و بدترین آنها متعلق به کیهان است. به عبارت دیگر سرمقاله‌های روزنامه جمهوری نسبت به سایر موارد نتیجه‌گیری منطقی‌تری داشته‌اند. روی دیگر این قضیه این است که نتیجه‌گیری-های روزنامه کیهان قابلیت اعتماد کمتری دارند. از این لحاظ روزنامه شرق و همبستگی در مراتب دوم و سوم قرار دارند. در حالت کلی میانگین برخورداری از استنتاج منطقی حدود ۶۱ درصد بوده است. بنابراین روزنامه کیهان و همبستگی پایین‌تر از میانگین کل قرار دارند.

*** روشنی و فقدان ابهام:** بیان روشن و صریح موضوع و فرایند بررسی موضوع از دیگر ویژگی‌های رویکرد علمی است. در اینجا صراحت به معنای سادگی و عدم ابهام سرمقاله‌ها است. از یک مطلب

علمی انتظار می‌رود که مسئله و موضوع خود را طور سر راست و فارغ از هر گونه ابهامی عرضه کند. عدم صراحت و روشنی به درستی برای یک نوشتار علمی ضعف تلقی می‌شود. بر این اساس باید گفت که سرمقاله‌های همبستگی از بهترین شرایط برخوردارند. زیرا ۸۵/۵ درصد از آنها به خوبی از عهده این مهم برآمده‌اند. از این نظر روزنامه‌های جمهوری و کیهان در رده بعدی و شرق در رتبه آخر قرار دارد. نکته امیدوارکننده در این زمینه میانگین نسبتاً خوب کل موارد است. طبق یافته‌ها، ۸۳ درصد کل سرمقاله‌ها از بیان مسئله روشن و فاقد ابهامی برخوردار بوده‌اند.

* **روش استدلال:** قیاس به معنای رسیدن از قانون به موارد جزئی و تجربی است و استقرا به معنای حرکت از موارد تجربی و رسیدن به قانون است. در رویکرد علمی عموماً به قیاس توجه می‌شود و استقرا به دلیل مشکلات منطقی و تجربی آن رد می‌شود. از لحاظ منطقی دو گونه اصلی استدلال وجود دارد: قیاس و استقرا. به دلیل مشکلات منطقی و تجربی منطق استقرا، در مقالات علمی تأکید بر روش قیاسی است. زیرا اصولاً علم با این روش کار می‌کند. بر این اساس می‌شود گفت که در بین موارد مطالعه شده، شرق در بهترین وضعیت قرار دارد. سرمقاله‌های این روزنامه در ۵۸ درصد موارد از روش قیاسی استفاده کرده‌اند. در حالیکه این عدد برای کیهان ۴۲ درصد، جمهوری ۳۷/۵ درصد و همبستگی ۲۹ درصد بوده است. اما از نظر میانگین کل وضعیت مساعدی وجود ندارد. طبق شواهد میانگین استفاده از منطق قیاسی در حدود ۴۲ درصد است. به بیانی دیگر به طور متوسط حدود ۵۸ درصد موارد از منطق استقرائی استفاده کرده‌اند. این درصد بالای استفاده از منطق قیاسی با توجه به عدم اعتبار علمی آن تأمل‌برانگیز است.

* **زمانمندی:** زمانمندی معمولاً به بازبودن و عدم قطعیت یک گزاره یا موضوع برمی‌گردد. از آنجا که علم حالت انباشتی دارد رویکرد علمی نیز در ذات خود باز است. بسته بودن یک موضوع به معنای خروج از رویکرد علمی است زیرا مطلبی گفته شده و به پایان رسیده و جایی برای بررسی بیشتر ندارد. روزنامه جمهوری با ۶۶ درصد در موقعیت بهتری نسبت به سایرین قرار دارد. به عبارت دیگر ۶۶ درصد از سرمقاله‌های این روزنامه از این نظر؛ رویکردی علمی دارند. بعد از جمهوری، روزنامه کیهان، شرق و همبستگی قرار دارند.

در مجموع چهار روزنامه می‌توان گفت که میانگین برخوردارگی از این مقوله (فقدان محدودیت) کمتر از ۵۰ درصد است (جدول ۱) که درصد قابل توجهی نیست. هرچند این موضوع در روزنامه شرق مشهودتر و در مورد همبستگی نگران کننده است.

جدول ۱: بررسی رویکرد علمی در روزنامه‌ها به تفکیک (درصد)

روزنامه‌ها	جمهوری	شرق	کیهان	همبستگی
مقولات				
جهت‌گیری	۸۷/۵	۸۷/۵	۹۶	۸۳
مسئله‌مندی	۸۷/۵	۹۶	۹۲	۷۹
روش‌مندی	۷۵	۸۳	۶۷	۷۵
ابطال‌پذیری	۸۷/۵	۹۲	۹۶	۸۷/۵
بیان منطقی	۵۸	۶۷	۲۹	۷۹
مستند بودن	۷۱	۵۸	۶۲/۵	۷۱
اعتبار علمی منابع	۶۲/۵	۵۰	۳۳	۵۸
استنتاج منطقی	۷۱	۶۷	۴۶	۶۲/۵
بیان روشن (سادگی)	۸۳	۷۹	۸۳	۸۷/۵
منطق قیاسی	۳۷/۵	۵۸	۴۲	۲۹
زمان‌بندی (باز بودن موضوع)	۶۷	۴۲	۵۸	۲۵
میانگین کل	۷۲	۷۱	۶۴	۶۷

به نظر می‌رسد راه بهتری نیز برای مقایسه رویکرد علمی روزنامه‌ها وجود دارد. این طریق همان مقایسه میانگین برخورداری هر روزنامه از رویکرد علمی است. داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که روزنامه جمهوری با ۷۱ درصد دارای بالاترین میانگین است. پس از آن، روزنامه‌های شرق (۷۱ درصد)، همبستگی (۶۷ درصد) و کیهان (۶۴ درصد) قرار دارند. نکته جالب‌تر از مقایسه بین میانگین ویژه روزنامه‌ها و میانگین کل (۶۹ درصد، جدول ۲) آشکار می‌شود. طبق این مقایسه میانگین برخورداری دو روزنامه جمهوری و شرق بالاتر از میانگین کل و میانگین دو روزنامه همبستگی و کیهان پایین‌تر از میانگین کل قرار دارد. به عبارت دیگر رویکرد دو روزنامه جمهوری و شرق علمی‌تر از رویکرد دو روزنامه همبستگی و کیهان بوده است.

مقایسه تفکیکی روزنامه‌ها به طور ضمنی دلالت بر این دارد که بین روزنامه‌های منسوب به جناح‌های مختلف سیاسی، تفاوت چندان قابل توجهی وجود ندارد. زیرا از یک سوی دامنه تغییرات بین کمترین و بیشترین میانگین فقط ۵ درصد است و از سوی دیگر از دو روزنامه دارای درصد برخورداری بالاتر از میانگین، جمهوری را به طور معمول راستی‌تر از شرق می‌دانند و نیز در بین روزنامه‌های دارای برخورداری پایین‌تر از میانگین، روزنامه‌ای از هر دو جناح چپ و راست دیده می‌شود (جدول ۱) بنابراین می‌توان گفت که پایبندی به رویکرد علمی می‌تواند فارغ از جهت‌گیری یک روزنامه باشد.

نتیجه گیری

از آنجا که تجلی خواست و اراده افکار عمومی در متون مطبوعاتی نمود پیدا می کند می توان مطبوعات را به عنوان پایگاهی دانست که در شکل گیری و یا فقدان شکل گیری فضای فکری، اجتماعی، علمی و ... جامعه نقش آفرینی می کند. افزایش آگاهی های علمی و تقویت حس علمی مخاطبان رسانه ها به ویژه خوانندگان مطبوعات از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یافته ها نشان می دهند که روزنامه به دلیل داشتن مخاطب و ماهیت خاص خود نمی تواند به طور مطلق ملزومات رویکرد علمی را به صورت کامل رعایت کند. حتی فرم روزنامه به صورتی است که نمی توان انتظاراتی فراتر از انگیزه هایی همچون آگاهی بخشی، خبررسانی، تفریح و سرگرمی و ... را از آن طلب کرد. چه بسا رویکرد علمی در مطبوعات، ماهیت و هدف آنها را دگرگون کند.

بررسی توصیفی روزنامه ها به تفکیک و با توجه به مقولات جداگانه که از نظرات پوپر استخراج شده نشان دهنده نتایج زیر است:

- در مقوله جهت گیری، کیهان با ۹۶ درصد در صدر و شرق، جمهوری و همبستگی در مراتب بعدی قرار دارند؛
- در مورد مقوله مسئله مندی موقعیت بهتر از آن روزنامه شرق (۹۶ درصد) است. پس از آن کیهان، جمهوری و همبستگی قرار گرفته اند؛
- از لحاظ روش مندی، باز هم روزنامه شرق در تراز نخست (۸۳ درصد)، جمهوری و همبستگی در تراز بعدی و کیهان در تراز سوم است؛
- ابطال پذیری بیش از همه در کیهان رعایت شده است (۹۶ درصد). شرق در رتبه دوم و جمهوری و همبستگی مشترکاً در رده سوم جای دارند؛
- نحوه بیان همبستگی منطقی ترین (۷۹ درصد) و کیهان از این نظر پایین ترین است. شرق در مرتبه دوم و جمهوری بعد از شرق است؛
- سرمقاله های جمهوری و همبستگی با ۷۱ درصد مستندتر از شرق (۵۸ درصد) و کیهان (۶۲/۵ درصد) بوده است؛
- منابع مورد استفاده جمهوری با ۶۲/۵ درصد معتبرتر از همبستگی (۵۸ درصد)، شرق (۵۰ درصد) و کیهان (۳۳ درصد) بوده است؛
- استنتاجات روزنامه جمهوری با ۷۱ درصد، منطقی تر از استنتاجات روزنامه های شرق (۶۷ درصد)، همبستگی (۶۲/۵ درصد) و کیهان (۴۶ درصد) بوده است؛
- از حیث روشنی بیان، همبستگی (۸۷/۵ درصد) در مرتبه نخست، کیهان و جمهوری (۸۳ درصد) و شرق (۷۹ درصد)، در سطوح بعدی قرار دارند؛

- منطق قیاسی را بیش از همه شرق رعایت کرده است (۷۹ درصد). کیهان (۴۲ درصد)، جمهوری (۳۷/۵ درصد) و همبستگی (۲۹ درصد) نیز به ترتیب پشت سر شرق جای دارند؛
- در مورد مقوله زمان‌مندی (باز بودن موضوع) وضعیت روزنامه جمهوری بهتر از دیگر روزنامه‌ها است (۶۷ درصد). پس از جمهوری نیز کیهان (۵۸ درصد)، شرق (۴۲ درصد) و همبستگی (۲۵ درصد) قرار گرفته‌اند.

نتایج نشان می‌دهد که بهترین وضعیت در مورد مقولات مربوط می‌شود به مقوله ابطال‌پذیری که ۹۱ درصد است. پس از آن به ترتیب مقولات مسئله‌مندی (۸۹ درصد)، جهت‌گیری (۸۷ درصد)، نحوه بیان (۸۳ درصد) و روش‌مندی (۷۵ درصد) قرار دارند. تمام این مقولات بالاتر از حد میانگین کل (۶۹ درصد) قرار دارند. مقولات دیگر، یعنی مقولات مربوط به نحوه بیان مسئله و استدلال (۵۸ درصد)، مستندبودن (۶۶ درصد)، اعتبار علمی منابع (۵۱ درصد)، استنتاج منطقی (۶۱ درصد)، نوع استدلال (۴۲ درصد) و زمان‌مندی (باز بودن موضوع) (۴۸ درصد)، همگی پایین‌تر از حد متوسط قرار داشته‌اند.

جدول ۲: درصد برخورداری کلی از مقولات رویکرد علمی

مقولات	وجود مقوله (درصد)	عدم وجود مقوله (درصد)
جهت‌گیری	۸۷*	۱۳
مسئله‌مندی	۸۹	۱۱
روش‌مندی	۷۵	۲۵
ابطال‌پذیری	۹۱	۹
نحوه بیان مسئله و استدلال	۵۸	۴۲
مستند بودن	۶۶	۳۴
اعتبار علمی منابع	۵۱	۴۹
استنتاج منطقی	۶۱	۳۹
بیان روشن مسئله و موضوع	۸۳	۱۷
استدلال قیاسی	۴۲	۵۸
زمان‌بندی (باز بودن موضوع)	۵۲	۴۸
میانگین کل	۶۹	۳۱

* درصدها تا دو رقم اعشار گرد شده‌اند.

قضاوت بر مبنای آمار مربوط به مقولات، به صورت جداگانه، ممکن است در موارد خاص و برای اهداف خاص مفید فایده باشد، اما هدف ما نه بررسی تک‌تک مقولات، بلکه بررسی منظومه یا شاخصی است که از ترکیب این عناصر حاصل شده است. شاخصی که آن را به عنوان رویکرد علمی معرفی کردیم.

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲ میانگین کل برخورداری از رویکرد علمی در سرمقاله‌های چهار روزنامه شرق، جمهوری، کیهان و همبستگی، ۶۹ درصد بوده است. اگر این درصد را در طیفی پنج قسمتی قرار دهیم، که به صورت رتبه‌ای (از خیلی ضعیف تا خیلی خوب) صورت‌بندی شده است، می‌توان گفت که سطح رویکرد علمی در این روزنامه‌ها در سطح «خوب» قرار دارد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که روزنامه‌ها توانسته‌اند تا حد زیادی انتظاری را که از این جهت از آنها می‌رود، برآورده سازند. در مورد آن درصدی که برآورده نشده است، می‌توان به نکاتی اشاره کرد. نخست آنکه روزنامه به دلیل داشتن مخاطب خاص و همچنین ماهیت خاص خود طبیعتاً نمی‌تواند به طور مطلق ملزومات رویکرد علمی تمام عیار را رعایت کند. مخاطبان روزنامه (اگر نه همه آنها) عموماً از قشری نیستند که اهل مطالعه جدی علمی باشند، و حتی خود جدی‌ترها نیز انتظار ندارند که روزنامه نقش یک نشریه علمی-پژوهشی را برایشان ایفا کند. روزنامه به دلیل همین روزنامه بودنش نمی‌تواند مطالب خود را همانند نشریات علمی به دست داوران بسپارد تا پس از داوری و نقد و اصلاح منتشر کند. کسی که بخواهد چنین روزنامه‌ای منتشر کند، احتمالاً روزنامه‌اش به روز دوم نخواهد کشید؛ زیرا نه توانش را دارد، و نه مخاطبان روزنامه‌های معمول را خواهد داشت. حتی فرم و قطع خاص روزنامه به صورتی است که از آن انتظاراتی مرکب از انگیزه‌های مختلف (اعم از آگاهی‌بخشی، خبرسانی، تفریح و سرگرمی و ...) را می‌طلبد. که شاید رویکرد علمی داشتن به آنها، حتی در تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از مقالات و کتب دانشگاهی نیز از رویکردی صد درصد علمی برخوردار نیستند؛ اگر چه به چاپ چندم رسیده و احتمالاً عنوان علمی هم دارند. بنابراین جای امیدواری است که ۸۹ درصد از سرمقاله‌ها دارای مسئله، ۸۷ درصد دارای جهت‌گیری مشخص بوده‌اند. این مقولات نشان‌دهنده برخورد آگاهانه نویسندگان با موضوع، تعیین تکلیف خود در برابر آن، و عدم توسل به رسم «فراغت ارزشی» برای فرار از قبول مسئولیت در مقابل اثرشان می‌باشد. تعیین جهت‌گیری علمی فی‌نفسه قدم بزرگی برای پیشرفت علم است که در اجتماع علمی ما چندان توجهی به آن نمی‌شود.

سپاسگزاری

از همکاری زنده یاد آقای دکتر یحیی امامی در تهیه این مقاله سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- بدیعی، ن. و قندی، ح. (۱۳۸۲). *روزنامه‌نگاری نوین*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- پاولیک، ج. (۱۳۷۵). *الگوهای اصلی تحقیق در روابط عمومی*. ترجمه محمد رضا کبیر، تهران: هنر هشتم.
- خجسته، ح. (۱۳۷۶). *ارتباطات و نظریه‌های انتقادی، فصلنامه سنجش و پژوهش*، سال ۱.
- رایف و همکاران. (۱۳۸۱). *تحلیل پیام رسانه‌ای*. ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: انتشارات سروش.
- سرمقالات روزنامه شرق، کیهان، جمهوری، همبستگی. (۱۳۸۴). تهران.
- ظریفی نیا، ح. ر. (۱۳۷۸). *کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران، ۱۳۵۷ تا ۱۳۳۷*، تهران: آزادی اندیشه.
- عظیمی، ن. ع. (۱۳۸۵). *بررسی نقش مطبوعات کشور در گسترش و ارتقای تفکر علمی*. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
- کوهن، ت. اس. (۱۳۸۳). *ساختار انقلاب‌های علمی*. ترجمه عباس طاهری. تهران: قصه.
- کرپیندورف، ک. (۱۳۸۳). *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- سورین، و؛ تانکارد، ج. (۱۳۹۵). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه دکتر دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- Stempl, G. H. 111(1952) "sampleisize for classifying subject matter in dailies" research in brief." *Journalism Quarterly* 29:189-203.